

مضحکه انتخاباتی رژیم و زنان

شهلا دانشفر



همچنان معترض به جلو می‌رود. جنبش آزادی زن نیز همراه همه جامعه علیه این مضحکه انتخاباتی حرکت می‌کند. جنبش آزادی زن صدای اعتراض خود را بیش از هر وقت علیه ستم کشی زن و علیه نابرابری بلند می‌کند و فریاد برمی‌آورد که ما به آزادی، به برابری و به رفع ستم کشی زن رای می‌دهیم. ما به لغو آپارتاید جنسی و از بین رفتن همه مظاهر نابرابری زن در جامعه رای می‌دهیم. ما آزادی می‌خواهیم. ما می‌خواهیم دست مذهب از زندگی انسانها کوتاه شود. ما برای جامعه ای آزاد و برابر مبارزه می‌کنیم.

جمع های آزادی زن نمایندگان جنبش آزادی زن امروز همدوش با کل جامعه برای به شکست کشاندن این مضحکه انتخاباتی تلاش می‌کنند و با پلاکاردهای زنده باد آزادی، زنده باد برابری، مرگ بر حجاب اجباری، مرگ بر آپارتاید جنسی در تمامی تظاهراتها و اعتراضاتی که این روزها برپا میشود شرکت خواهند کرد و خواستنها و مطالبات خود را بصورت قطعنامه هایی روشن رو به جامعه اعلام خواهند کرد. زنده باد جنبش آزادی زن، زنده باد جمع های آزادی زن.

۲۷ خرداد روز مضحکه انتخابات رژیمن نزدیک است و التهاب مبارزه همه جامعه را فرا گرفته است. اینبار مردم بیش از گذشته و بیش از هر وقت به اعتراض علیه این مضحکه بلند شده و می‌گویند نه دیگر بس است. وقتی صحبت از انتخابات میشود، مردم اتومات به یاد فقر، نابرابری، ستم کشی زن و محرومیت می‌افتند و فریاد برمی‌آورند نه ما دیگر به ادامه این وضعیت تن نخواهیم داد. گویی جامعه خود را برای تقابلی آشکار آماده می‌کند و هر روز شاهد پوستر پاره کردنها و اعتراض آشکار مردم به این مضحکه انتخاباتی هستیم. اعتراضات کارگری شدت گرفته و در همه بخش های جامعه جنب و جوش اعتراضی به پا شده است. برپایی تجمعات اعتراضی در دانشگاه و بحثهای داغ بر سر عدم مشروعیت انتخابات رژیم به اتفاقی هر روزه تبدیل شده و روزشمار اوجگیری این اعتراضات به حرکت افتاده است. حجابها عقبتر و عقبتر رفته است. همین دو هفته پیش بود که دانشجویان تابلوهای آپارتاید جنسی را در دانشگاه آزاد سندانج پایین کشیدند. همه شواهد حاکی از اینست که این انتخابات از قبل به شکست کشیده خواهد شد. جنبش آزادی زن در متن این فضای پر تنش

تبریک به هما ارجمند و کمپین علیه دادگاههای شریعه در کانادا

روز پنج شنبه ۲۶ ماه مه ۲۰۰۵ مجلس ایالتی استان فرانسوی زبان کبک در کانادا به اتفاق آرا بکارگیری حکمیت اسلامی در سیستم قضایی را مردود اعلام کرد و تشکیل دادگاههای اسلامی را غیر قانونی دانست.

این يك پیروزی بزرگ برای جنبش ما در دفاع از حقوق زنان و سکولاریسم است. این پیروزی بدون تلاش های ارزنده هما ارجمند و کمپین علیه دادگاههای شریعه امکان پذیر نبود.

سازمان آزادی زن این پیروزی بزرگ را به های عزیز و همه فعالین کمپین علیه دادگاههای شریعه تبریک گفته و به همگی خسته نباشید میگوید.

سازمان آزادی زن
۲۹ مه ۲۰۰۵

دومین نشست شورای مرکزی سازمان آزادی زن با موفقیت به پایان رسید.
گزارش کامل این نشست را می توانید در شماره آینده آزادی زن بخوانید.



زنده باد آزادی، زنده باد برابری

مجلس نمایندگان استان کبک به اتفاق آرا ایجاد دادگاههای اسلامی در این استان را ممنوع کرد!

هما ارجمند



دیروز، پنجشنبه ۲۶ ماه مه مجلس ایالتی استان فرانسوی زبان کبک در کانادا به اتفاق آرا بکارگیری حکمیت اسلامی در سیستم قضایی را مردود اعلام کرد و تشکیل دادگاههای اسلامی را غیرقانونی دانست. این تصمیم گیری که بعنوان يك اقدام پیشگیرانه تلقی شده، تا همین جا در سطح جامعه انعکاس وسیعی یافته است. نمایندگان حزب لیبرال در این مجلس همچنین انتقادات شدیدی به گزارش و پیشنهادات خانم مارتین بوئید دادستان سابق استان انتاریو که موافق حکمیت مبتنی بر قوانین مذهبی است، کردند. مارتین بوئید از طرف وزیر ایالتی استان انتاریو، دالتون مک گنتی، پس از اعتراضات وسیع به این لایحه در ماه ژوئن سال ۲۰۰۴ مسئول بررسی و تجدید نظر در لایحه حکمیت ۱۹۹۱ انتاریو شد. این لایحه همانطور که میدانید به گروههای مذهبی و فرهنگی اجازه میدهد تا دادگاههای مربوط به امور خانوادگی داشته باشند. در استان کبک از اوایل امسال موج قوی در اعتراض به تحرکات جریان اسلام و بطور مشخص فشار آنان به دولت جهت پیروی از استان انتاریو برای مجاز شمردن ایجاد چنین دادگاههایی شکل گرفته است که نمونه برجسته آن کنفرانس فدراسیون زنان استان کبک و کنفرانسی که تعداد زیادی از نمایندگان مجلس و اعضای دولت در آن شرکت داشتند در ماه مارس بود که مبنای هر دوی آنها بر مخالفت شدید با دخالت هر گونه مذهب در امور قضایی بود. البته از شخصیتهای پیشتاز در سطح مجلس و دولت جهت بوجد آوردن مانع قانونی

برای شکل گیری دادگاههای اسلامی در این استان خانم فاطمه هودا پاپین است که میگوید: "اینهایی که میخواهند دادگاههای اسلامی ایجاد کنند در اصل اقلیت مسلمانی هستند که دارای اهداف سیاسی بوده و فشارشان جهت تاثیر گذاری مذهبی بر قوانین خانواده در ادامه به حیطه قوانین جنایی نیز خواهد کشید." او همچنین در پاسخ به این سوال که چرا در این تصمیم گیری فقط از دخالت گروههای اسلامی در امور قضایی بحث شده، تاکید کرد، "به این خاطر که در حال حاضر تنها این گروهها هستند که به مجلس و دولت برای مجاز کردن چنین دادگاههای فشار میاورند." خبر مربوط به تصمیم مجلس ایالت کبک جزو یکی از مهم ترین اخبار کانادا بود. در دو روز گذشته شبکه انسانی حول کمپین ما به يك روحیه و تحرك جدیدی دست یافته است. دهها خبرگزاری با ما تماس گرفته، مصاحبه کرده و یا برای چند روز آتی برنامه گذاشته اند تا مصاحبه کنند. اطلاعاتیه مطبوعاتی کمپین و چندین سازمان دیگر همین امروز انتشار یافت. قطعنامه ما که بیش از ۸۰ سازمان و نهاد آن را امضا کرده اند مجدداً برای مدیا، نمایندگان مجلس و هیئت دولت فرستاده شد. وزیر ایالت انتاریو، دالتون مک گینتی امروز طی يك مصاحبه ای اعلام کرد "ما بطور ناروا تحت تاثیر تصمیم قانونگذاران کبک قرار نمیگیریم و بر اساس ارزشها و خواست مردم در انتاریو عمل خواهیم کرد." هر چند او منکر فشار مضاعفی میشود که توسط سیاستمداران کبک و بطور مشخص سران حزب، یعنی حزب لیبرال در این

ایالت بر او وارد شده است ولی مصاحبه فوق و ابراز این که ما "بطور مستقل تصمیم خواهیم گرفت" خود نشان از فشاری است که بطور واقع و از بالا به او و دولتش وارد گشته است. ناگفته نماند در تاریخ ۳۱ ماه مه سازمانهای مهمی با ارائه يك قطعنامه مشترک بر علیه ایجاد دادگاههای مذهبی به "جلسه تصمیم گیری در امور حزبی بخش زنان حزب لیبرال در مجلس ایالتی"، کوئینز پارک، میروند تا این فشار را چند برابر کنند. سازمانهای بزرگی که تا حال این قطعنامه را امضا کردند بدین قرارند: "انجمن سراسری زنان و قانون"، "کمپین بین المللی علیه دادگاههای اسلامی در کانادا"، "شورای زنان مسلمان کانادا"، "کمیته اقدام علیه خشونت به زنان و کودکان تورنتوی بزرگ (مترک)", "شورای زنان کانادا"، "سازمان سراسری زنان مهاجر و اقلیتهای رنگین پوست"، "آموزش همسران مورد خشونت واقع شده"، "حقوق و دموکراسی" و "جامعه زنان جوان مسیحی" (وای دبلیو سی ای). همچنین در تاریخ ۸ سپتامبر دومین تظاهرات بین المللی علیه دادگاههای اسلامی که در راس آن کمپین ماست در مقابل پارلمان در اتاوا، مجالس ایالتی در ۶ استان کانادا و سفارتخانه های کانادا در المان، سوئد، نروژ، انگلستان و فرانسه برپا خواهد شد که از دو هفته پیش کار تدارکات و تبلیغات آن در مقیاس وسیع شروع شده است.

هر چند تصمیم اخیر مجلس کبک، یعنی غیر مجاز بودن دادگاههای اسلامی در این استان دارای این نقص

۲۷ ماه مه ۲۰۰۵

نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی

زنان در کویت به حق رای دست یافتند!

جلیل بهروزی



کارکن و ۶۷ درصد فارغ التحصیلان دانشگاهی آن را تشکیل می‌دهند و کم نیستند زنانی که پستهای دولتی، تجاری و صنعتی را در اشغال خود دارند. اما حاکمیت شیوخ و در راس آن خاندان الصباح که بیش از دو قرن است در قدرتند و مشتکی اسلامی مرتجع مانع از آن شده است که زنان از حداقل حقوق سیاسی و مدنی برخوردار گردند. جالب آن که مجلس ملی کویت یعنی مظهر دموکراسی غربی در آن تنها با رای ۱۵ درصد مردمان ساکن این سرزمین تشکیل می‌گردد و آن هم هر زمان شیخ عجل اراده کند درش گل گرفته میشود.

حاکمان کویت با تسلط بر ذخایر عظیم نفت، خود جزئی از یک کمپ بین المللی در حمایت از ارتجاع اسلامی هستند که به اعتبار سرسپرگی همه جانبه شان به غرب به راحتی میتوانستند تا حال به حقوق انسان و حقوق زنان تعدی کنند بدون آن که کمترین فشار بین المللی را متحمل شوند. پیروزی زنان در کویت برای دست یابی به حق رای میتواند در ستون این حاکمیت ترکی ایجاد کند.

۱۶ ماه مه ۲۰۰۵
jilil1917@yahoo.com

پس از حدود یک قرن از دست یافتن زنان در جهان به حق رای، زنان کویت میتوانند از این پس در رای گیری شرکت کنند، انتخاب کنند و انتخاب شوند. این پیروزی برخلاف مخالفت شدید بخش زیادی از شیوخ و گروههای اسلامی، حاصل اعتراضات دو دهه زنان در کویت و فشار بین المللی به حاکمان آن میباشد. طبق قانونی که در سال ۱۹۶۳ در مجلس کویت تصویب شده بود زنان مجاز نبودند که در هیچ یک از انتخابات شهری و یا مجلس سراسری شرکت کنند.

این پیروزی زنان در کویت بطور قطع تاثیر بسزایی در جنبش حق رای زنان در منطقه و بخصوص عربستان سعودی خواهد داشت هر چند که در قطر و بحرین زنان مدت‌هاست از این حق برخوردارند. جنبش حق رای زنان که توسط تشکلهایی چون "کمیته امر زنان"، "اتحادیه جامعه زنان کویت" و "جامعه فرهنگی و اجتماعی زنان کویت" هدایت میشد در دو دهه گذشته و بخصوص پس از جنگ خلیج با کمپین وسیع، شرکت در کنفرانس جهانی زنان در پکن (۱۹۹۵)، عضویت در سازمان جهانی حقوق زنان، برپایی پیکتهای مستمر در مجلس و یا در مقابل آن در چند سال گذشته و برخورداری از سخن گویان سرشناسی چون رولا دشتی و ائلوا ملا با مطالبه حق رای برای زنان توانست به دستاورد بزرگی نایل آید.

این در حالی است که در کویت ۲، ۲۷۳، میلیون، زنان ۸، ۳۳ درصد جمعیت

لیستی با حداقل دو جانی... لاری جانی - رفسن جانی

ستاره امیرزاده - ایران

آمریکاییها در باغ سبز نشون میدهند. اون یکی که فرمانده نیروی انتظامی بوده و خون دانشجویان را در کوی دانشگاه تو شیشه کرده کت و شلوار پوشیده و شیک و پیک ادعای آزادی و اصلاحات داره. این یکی از توسل به ائمه اطهار و روش زندگیشون میگه و سید خندان را بی عرضه معرفی میکنه. اون یکی وعده آزادی مطبوعات و از بین بردن فقر و مبارزه با باند بازی میده. کار به جایی رسیده که اعلام شده آگه از چهل و پنج میلیون نفرواجدین شرایط فقط چهل درصد رای بدهند رژیم باید کلاهش رو هوا بندازه اما ذهی خیال باطل. مردم اینبار تصمیم خودشون گرفتند با آمدن به خیابانها و اعتراض به انتخابات زوری باید صندوقها رو رو سرشون خراب کنیم. بیست و هفت خرداد را باید به روز نه به جمهوری اسلامی تبدیل کنیم. نه به آپارتاید جنسی، نه به حجاب اجباری، نه به فحشا، نه به حکومت مذهبی، نه به سنگسار، نه به اعدام، نه به فقر با حمایت از حداقل دستمزد چهارصد و پنجاه هزار تومن که کمترین خواست ما در این بیغوله سرمایه داریست، باید در این روز فریاد آزادیخواهی و برابر طلبی اقشار مختلف جامعه را به گوش جهانیان برسونیم. باید از اعتراضات دانشجویی و کارگری حمایت کنیم. اگر خود را لایق دنیای شاد، آزاد و مرفه با مناسبات انسانی می دانیم باید بلند فریاد بزیم: آقایان ما را تحمیق نکنید ما گول نمی خوریم، نه، ما رای نمی دهیم.....

بلبشویی راه افتاده، سران حکومت اسلامی به هر حربه ای متوسل شدند تا تنور انتخابات را داغ کنند. از جمع آوری ماهواره ها و فیلتر کردن سایت های اینترنتی گرفته تا نام نویسی بیش از هزار نفر برای کاندیداتوری ریاست جمهوری که البته دوازده نفرشون زن بودند. و استفاده ابزاری از جانبازان و خانواده های شهدا در تلویزیون که ملتسمانه مردم را دعوت می کنند که به پای صندوق رای بروند و با پخش صحنه های جنگ و تحریک حس ناسیونالیستی مذهبی و رد صلاحیت حتی سخنگوی اسبق شورای نگهبان به جز شش نفر که با درخواست تجدید نظر خامنه ای و به صحنه آوردن معین، مضحکه را کامل کردند. امامان جمعه آستینها را بالا زده و برای اینکه مردم را مجبور به مشارکت کنند یکسدا اعلام کردند که رفتن به پای صندوقها یک تکلیف شرعی و ملی ست. اما از همه مضحک تر تلاش مذبوحانه کاندیداها و شعارهای تبلیغاتی آنهاست که می خواهند با آن سر مردم را شیره بمالند. یکی وعده میده که ماهیانه پنجاه هزار تومن به افراد بزرگسال پرداخت میکنه، اون یکی که اتفاقا سالیان سال فرمانده سپاه پاسداران بوده با پیرویی تمام اعلام میکنه که دولتتیا در مواد مخدر دست دارند. کروی با رفسنجانی کل کل راه انداخته و پته یکدیگر را روی آب میریزند. عکس این یکی در کنار یک دختر تر گل و گل به اصطلاح بد حجاب در روزنامه چاپ شده و در مصاحبه اش با نیویورک تایمز به

زنده باد آزادی، زنده باد برابری



سهیلا شریفی

این مطلب اولین بار در ماه مه ۲۰۰۰ در نشریه مدوسا به چاپ رسیده است

مقابله با فحشاء، چگونه؟

بنا بگفته آمار، بازار سکس در دنیا در حال شکوفائی است. سالیانه میلیونها دلار در این بازار دست بدست میشود. زنان و مردان و کودکان زیادی هر سال جذب اینکار میشوند و شبکه های عظیم قاچاق مواد مخدر و انسان حول و حوش این بازار شکل گرفته است. اخیرا بخش کریمینولوژی (جنایت شناسی) دانشگاه میدلسکس لندن گزارش داده است که هر هفته فقط در لندن هشتاد هزار مرد سکس و خدمات سکسی میخرند که رویهم رفته چیزی در حدود ۲۰۰ میلیون پوند عاید گردانندگان این بازار میکنند. چنین پولهای کلانی حاصل کار زنان و دختران جوانی است که معمولا در سوناها، سالنهای ماساژ و کاباره ها بطور غیرقانونی و در شرایط نامناسبی بکار مشغولند. بسیاری از آنان از کشورهای آسیای جنوب شرقی و به امید یافتن کار به کشورهای اروپایی وارد شده اند. ابعاد نگران کننده فحشا که معمولا با پخش مواد مخدر، قاچاق انسان، خشونت و بیماری تداومی میشود باعث دامن زدن بحثها و مجادلات فراوانی در سطح جامعه شده است. حتی در بعضی از کشورها مانند هلند باعث تغییراتی در قانون مربوط به اداره فاحشه خانه ها و مزایای شغلی برای کارگران سکس شده است. در این نوشته سعی میکنم به اساسی ترین مباحث موجود در برخورد به مسئله فحشا پردازم و راه حلهای ارائه شده را بررسی کنم. هر چند در برخورد به فحشا می توان به گروه بندیهای فراوانی اشاره نمود اما چهار دسته را میتوان جزء مباحث شناخته شده و مهم دسته بندی کرد که عبارتند از:

۱- طرفداران محدودیت برای فاحشگان و نظارت دولت در جلوگیری از فحشا مخصوصا در خیابانها و محل زندگی

مردم.

۲- طرفداران قانونی کردن و دخالت دولت در متمرکز کردن و اداره بازار سکس.

۳- طرفداران غیر جنائی کردن فحشا و محدود کردن نقش دولت و قانون در کار تنفروشان،

۴- کسانی که خواهان تبدیل شدن فحشا به یک حرفه و برخورداری کارگران این حرفه از مزایای شغلی هستند.

۱- تنظیم (Regulationism)

بحث نظارت و کنترل فحشا در انظار عمومی، بعد از جنگ جهانی دوم و در ادامه فاصله گرفتن قانون از مذهب تبدیل به دستورالعمل خیلی از کشورهای غربی شد. مشهورترین سند در این رابطه گزارش ولفندون Wolfendon است که در سال ۱۹۵۷ انتشار یافت این سند که تاکنون بعنوان یکی از سندهای پایه ای دولت انگلستان در برخورد به مسئله فحشا بشمار میرود، مخالفتی با دیدگاههای رایج قبل از خود در رابطه با غیر اخلاقی بودن فحشا ندارد. اما نکته متمایز کننده این گزارش در اینجاست که اعلام میکند قانون باید، حدالمقدور از درگیر شدن با مساله فحشاء ابا کند. گزارش ولفندون سعی در تفکیک واژه هائی مانند گناه و جنایت میکند و از آن نتیجه میگیرد که کار قانون در واقع مقابله با جنایت است نه گناه. طبق این گزارش قانون فقط زمانی باید بمیدان بیاید که فحشا مختل آسایش عموم میشود. قانون جرائم خیابانی در سال ۱۹۵۹ بتصویب پارلمان انگلستان رسید که بر گزارش ولفندون مبتنی است. بسیاری دیگر از کشورهای اروپایی نیز کم و بیش قوانین مشابهی تدوین نمودند. بر اساس این قوانین خرید و

فروش سکس در خود جرم نیست و زن و مرد میتوانند در چهارچوب شخصی خود به مبادله سکس بپردازند، اما در انظار عمومی هنگامی که رفت و آمد تن فروشان و مشتریان آنها نظم و آسایش مردم را بهم میزند قانون محق است دخالت کرده و از آن جلوگیری کند.

در اینجا به چند نمونه از قوانین موجود در چند کشور اروپا اشاره میکنم. فرانسه: در سال ۱۹۴۶ دولت فرانسه فاحشه خانه ها را بست و دایر کردن واحشه خانه را غیر قانونی اعلام کرد، همچنین جلب مشتری در خیابانها و فشار آوردن به مردم جهت خرید سکس ممنوع اعلام شد. هر چند که در بعضی از اماکن معروف به چراغ قرمز پلیس عملا دخالتی نمیکند.

روسیه: فحشا در روسیه غیر قانونی است. جرائم مربوط به فروش سکس در بخش قوانین مدنی گنجانده شده است و شامل زندان نمیشود، دایر کردن فاحشه خانه در قانون جنائی جرم محسوب میشود و مجازات زندان برای آن در نظر گرفته شده است.

آلمان: فحشا قانونی است و از طریق ثبت کردن فاحشه ها کنترل میشود. هامبورگ بعنوان دومین مرکز سکس بعد از آمستردام بحساب میآید و بعضی از گروهها به دولت فشار میاورند که فحشا را بعنوان یک شغل برسمیت بشناسد. (رجوع شود به مقاله در همین شماره)

سوئد: سوئد بعنوان یکی از لیبرال ترین کشورها در برخورد به سکس و پورنوگرافی شناخته شده است. در سوئد فروختن سکس قانونی است اما طبق قانونی که سال پیش بتصویب رسید خریدن آن جرم محسوب شده و شامل مجازات میشود. (رجوع شود به سخنرانی کاتلین بری در همین شماره)

انگلستان: در انگلستان فحشا قانونی است اما قوانین ناظر بر آن جزء سختترین قوانین بحساب میآید. هر نوع جلب مشتری و حتی اقدام به جلب مشتری ممنوع است. مثلا ایستادن و منتظر مشتری شدن در خیابان جرم نیست اما سعی در جلب مشتری کردن جرم محسوب میشود. این جلب مشتری کردن که در قانون طرح شده میتواند به اشکال گوناگون توسط پلیس محل تعبیر شود. برای نمونه زنانی بدلیل چشمک زدن، دست تکان دادن و یا حتی جنباندن باسن دستگیر شده و توسط دادگاه به پرداخت جریمه محکوم شده اند. در حالی که تن فروشان اجازه دارند در محل زندگی خود به فروش سکس بپردازند، هر نوع تجمع بیش از دو زن به این منظور تحت عنوان دایر کردن فاحشه خانه ممنوع است. گردانندگان فاحشه خانه ها و مراکز دیگر خرید و فروش سکس با استناد به قانون "زندگی از طریق درآمد نامشروع" به زندان و جریمه محکوم میشوند.

هلند: فحشا در هلند هیچوقت غیرقانونی نبوده است اما در ماه اکتبر ۱۹۹۹ قانون جدیدی از طرف پارلمان تصویب شد که محدودیتهای دایر کردن فاحشه خانه را از میان برداشت. طبق این قانون فحشا قرار است به یک شغل تبدیل شود و تحت نظارت اداره کار و اقتصاد کشور در آید. فروشندگان سکس قرار است بعنوان کارگر رسمی برسمیت شناخته شوند و شامل مزایای کار، بیمه بیکاری، بیمه بازنشستگی و حق داشتن اتحادیه و مذاکره در باره شرایط کارشان شوند.

۲. قانونی کردن فحشا (Legalisation)

بمعنی متمرکز کردن آن در مراکز فروش

مقابله با فحشاء، چگونه؟

سکس و دخالت مستقیم ارگانهای دولتی در اداره و کنترل آن است. این نظریه که تاکنون با نظر مساعد خیلی از ارگانهای دولتی، ساکنان محله های شناخته شده و بعضی از جامعه شناسان روبرو شده است، فحشا را پدیده ای اجتناب ناپذیر و حتی در مواردی مفید برای جامعه میدانند و خواهان دخالت دولت در آن جهت کنترل جوانب منفی آن است. طبق این نظریه دولت میتواند بیماری های مسری، که از طریق روابط جنسی سرایت میکنند و معمولاً فروشندهگان سکس عامل شیوع آنها شناخته میشوند را با فراهم کردن امکانات پزشکی و برقراری معاینات منظم برای تن فروشان به حداقل برساند. بعلاوه، متمرکز کردن این مراکز همچنین میتواند منجر به منظم تر شدن ساعات کار، کاهش خطرات شرایط کار و سالم تر شدن محیط کار شود. دست دلان مواد مخدر و قاچاقچیان آدم را هم میشود از اینکار کوتاه کرد و علاوه بر همه اینها دولت میتواند از مالیات پرداختی از طرف کارگران این بخش سود ببرد.

این نظریه که در بعضی از کشورهای اروپایی مانند آلمان و هلند تا حدودی اجرا شده است، از طرف بسیاری از سازمانهای درگیر در امور تن فروشان، بعضی از گروههای فمینیستی و جامعه شناسان نقد شده است. گفته میشود با قانونی کردن فحشا و متمرکز کردن آن، استثمار جسم و روح فاحشگان پایان نمیگیرد بلکه استثمارکنندگان عوض میشوند. اینبار بجای دلان و واسطه ها دولت و شهرداریها هستند که از حاصل کار زنان و مردان تن فروش سود میبرند. علیرغم این حقیقت که قانونی کردن باعث کاهش خشونت و ناامنی محیط کار میشود. مخالفین قانونی کردن بر این عقیده اند که قانونی کردن فحشاء باعث تنزل رسمی مقام زن به یک وسیله سکسی میشود که میتوان آنرا مورد داد و ستاد قرار داد. عموماً استقلال و کنترل زنان کارکن در این

فاحشه ثبت نشود. در نتیجه در کشورهایمانند آلمان که فحشا قانونی است، فقط درصد ناچیزی از فاحشگان رسماً ثبت نام میکنند و گفته میشود تجربه قانونی کردن جاهای دیگر هم زیاد موفق نبوده است.

۳. غیر جنائی کردن فحشاء (Decriminalisation)

مخالفان قانونی کردن، پیشنهاد غیر جنائی کردن فحشاء را بعنوان آلترناتیو پیش پای جامعه میگذارند. طرفداران این بحث معتقدند که قوانین و برخوردهای موجود در جامعه بشدت اخلاقی، عقب مانده و ضد زن هستند و باید با آنها مبارزه شود. مذهب و اخلاقیات عقب مانده باعث تابو کردن سکس و طبقه بندی زنان به دو گروه "زنان محترم" و "جنده ها" میشود و زنان



تن فروش را در موقعیتی ضعیف و شکننده قرار میدهد. قوانین هم با دستگیری و مجازات کردن فاحشه ها و رها گذاشتن خریداران سکس بر این حقیقت چشم پوشی میکند که دلیل وجود فروشندهگان سکس در بازار این است که عده براتب بیشتری خریدار وجود دارند. طبق این نظریه از آنجائی که کار فاحشه ها منجر به قربانی شدن هیچکس بجز خودشان نمیشود، نباید اینکار را جرم دانست و تحت هیچ شرایطی زن یا مردی را بجرم فروش سکس دستگیر نمود. هیچ زن یا مردی نباید بخاطر موقعیتش بعنوان فاحشه مورد تبعیض در پیشگاه قانون و یا در

ادارات دولتی قرار گیرد. این گروه خواهان لغو دخالت دولت و قانون در کار افراد تن فروش و از بین بردن استثمار دولتی و غیر دولتی هستند. ایده غیر جنائی کردن فحشا علیرغم ظاهر رادیکالش، انتقادهای فراوانی را دامن زده است. الیزابت ویلسون میگوید به حداقل رساندن دخالت دولت، امکان سوءاستفاده بیشتر تاجران و گردانندگان بازار سکس را فراهم میآورد و فروشندهگان را در موقعیت ضعیفتری قرار میدهد چرا که از حمایت دولتی برخوردار نیستند. گفته میشود که بحث غیر جنائی کردن، زنان بیشتری را مخصوصاً در مواقع بحرانهای اقتصادی جلب اینکار میکند. فمینیستهای دیگری از جمله ماری مکینتاش غیر جنائی کردن را در خدمت تثبیت نقش زنان بعنوان وسیله جنسی میدانند. وی میگوید "مانند تجاوز، مانند پورنوگرافی، مانند مسابقات زیبایی و مانند بسیاری دیگر از جنبه های فرهنگ عمومی ما فحشا هم به این ایدئولوژی خدمت میکند که زنان فقط وسیله رضای امیال جنسی مردان هستند".

جمعی از سازمانهای زنان که مردان خریدار سکس را عاملین اصلی وجود فحشا و خشونت بر علیه زنان تن فروش می دانند، سعی دارند ارگانهای دولتی را وادار به گذراندن قوانینی بر علیه این مردان بکنند. بدنبال تجربه مشابهی در سانفرانسیسکو آمریکا، بخش مطالعات در مورد خشونت و آزار جنسی دانشگاه متروپولیتن شهر لیدز در انگلستان، با همکاری گروه زنان پارلمان برنامه ای آزمایشی را جهت آموزش دادن به مردان مشتری و کاهش درجه خشونت بر علیه زنان تن فروش سازمان داده است. طبق این برنامه هر مردی که در حال معامله سکس دستگیر شود دو راه بیشتر جلوی خود ندارد، یا باید بپذیرد که در یک کلاس یکروزه شرکت کند و یا اینکه مجبور

مقابله با فحشاء، چگونه؟

علیه این شغل هم بکوشند. و هر نوع تبعیض علیه کارگران سکس (این اسمی است که طرفداران این بحث ترجیح میدهند بکار ببرند) را بردارند. گفته میشود در برخورد به فحشا باید بدلیل روی آوردن مردم به آن پرداخت و بر اساس انگیزه های افراد به مقابله با آن پرداخت. مثلا اگر فرد بالغی آگاهانه به این حرفه روی میآورد، دولت باید برایش مزایای شغلی برسمیت بشناسد و وی را حمایت کند. اما اگر کسی بنا بدلیل اقتصادی و اجتماعی دیگری به این خط افتاده و از کارش بعنوان تن فروش راضی نیست، دولت باید امکاناتی فراهم کند که فرد مزبور بتواند در عرصه های دیگر بازار کار مشغول بکار شود. باید کلاسهای آموزشی ترتیب داد که این تن فروشان بتوانند حرفه های دیگر را یاد بگیرند. پیشبرندگان این بحث خواهان تاکید دولتها بر ممنوعیت کار کودکان مخصوصا در بازار سکس هستند و معتقدند اگر دولت این موضوع را جدی بگیرد و کودکان را از بازار سکس بیرون بکشد بمراتب در کاهش میزان فحشا و مشکلات آن موفق بوده است، چرا که بسیاری از کارگران سکس در بازار یا کودک هستند و یا از سنین پائین به این کار روی آورده اند. آنچه اخیرا در هلند تصویب شده است میتواند تا حدودی درست یا نادرست بودن این بحث را به عرصه آزمایش بگذارد.

امیال جنسی مردان را غیر قابل کنترل میداند و زنان را وادار به بردگی جنسی می کند. این عده در حالی که خواهان قوانین جدی بر علیه مردان هستند، از خواست غیر جنائی شدن فحشا بعنوان حق زن در اجاره دادن تن خود نیز دفاع میکنند.



۴. تبدیل شدن فحشا به یک حرفه

غیر از این سه گروه، نظریه دیگری هست که مخلوطی از دو گروه آخر و در عین حال متمایز از هر دو بحساب میآید. این بحث که در گزارش اخیر سازمان جهانی کار فرموله شده است، خرید و فروش سکس را یکی از عرصه های اقتصادی در هر کشور بحساب آورده و خواهان برسمیت شناسی فحشا بعنوان یک شغل میشود. طبق این نظریه برای رسیدن به این مقصود لازم است که دولتها در عین قانونی کردن فحشا با برخوردهای عقب مانده و مذهبی بر

درآمد داشتند اما از وقتی که این طرح پیاده شده است من از ساعت ۵ تا پاسی از نیمه شب در خیابان میچرخم و آخرش با ۴۰ پوند و گاهی کمتر به خانه میروم. قبلا ما زنان تن فروش با هم همکاری میکردیم. از بچه های همدیگر مواظبت میکردیم، حواسمان به امنیت همدیگر بود و اگر یکی از ما احتیاج به پول

است بدادگاه رفته و جریمه پیردازد. بسیاری از مردان از ترس آبرو میپذیرند که بجای رفتن بدادگاه در کلاس مربوطه شرکت کنند. این کلاسهای یکروزه توسط مددکاران اجتماعی، افسران پلیس و قدیم فاحشگان برگزار میشوند. هدف این است که مردان مذکور بیاموزند که زنان تن فروش ذاتا هرزه و پست نیستند بلکه انسانهای معمولی هستند که بخاطر نیاز به اینکار روی آورده اند. قوانینی که در رابطه با خشونت جنسی وجود دارند تدریس میشوند و در نهایت این مردان وادار میشوند تا بکار خود و به فروشندگان سکس از زاویه ای متفاوت بنگرند. خانم جولی بندیل Julie Bendil که از سازمان دهندگان این پروژه است میگوید در عرض یکسال که این طرح به اجرا گذاشته شده، مردان زیادی آموزش دیده اند و خشونت علیه زنان خیابانی بمراتب کمتر شده است. اما برخی از فاحشگان و بعضی از دست اندرکاران این طرح نظر دیگری دارند. خانم دیانا تایلور Daiana Taylor در مقاله ای در گاردین ۱۷ اوت ۹۹ نتایج این پروژه را بررسی میکند. وی میگوید که این طرح تنها به سخت تر شدن شرایط کار و پائین آمدن قیمتها برای فروشندگان سکس در مناطق مورد بحث منجر شده است. جولیا یکی از زنان فاحشه به وی میگوید: "من قبلا از ساعت ۷ تا ۱۰ و نیم شب در خیابان میماندم و معمولا در حدود ۱۳۰ پوند

بیشتری داشت سعی میکردیم بیشتر مشتریها را به او بدهیم. اما حالا همه در فکر پیدا کردن مشتری برای خودمان هستیم و مجبوریم با هم رقابت کنیم." مشتریان هم از ترس دستگیری در خیابانهای روشن معامله نمیکند، در نتیجه زنان مجبور شده اند به مناطق تاریکتر بروند، که درجه امنیت آنها را بسیار پائین تر آورده است. این گروه از فمینیستها که چنین طرحهایی را از دستاوردهای خود بحساب میآورند معتقدند که وجود فحشا بخاطر افکار مردسالارانه حاکم بر جامعه است که

از سایت سازمان آزادی زن
دیدن کنید. **فیلتر شکن**
www.azadizan.no-ip.com

تلفنهای تماس:
مرسده قاندى
TEL: +47 980 23484

سردبیر نشریه
سهیلا شریفی
Sohailasharifi@yahoo.co.uk
Tel: +44 771 911 17 38
دستیار سردبیر
علی فرهنگ

رئیس سازمان آزادی زن
آذر ماجدی
azarmajedi@yahoo.com
دبیر اجرایی
پروین کابلی
TEL: +46 707 744 020